

شب قدر

محمد مهدی مسعودی

چکیده

شب قدر شبی است که ثواب به جای آوردن عبادات در آن از سایر شبهای سال افزوتر است. در روایات رسیده از معصومان شب خاصی به عنوان شب قدر معین نشده، بلکه یکی از شبهای نوزدهم، بیست و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان، شب قدر دانسته شده است. این که دلیل عدم تعیین شب مشخصی چیست، موضوعی است که در این مقاله بدان پرداخته می شود.

کلید واژه ها: شب قدر، عبادت، میقات موسی علیه السلام، نزول قرآن، چله نشینی.

گروه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در ماهنامه قرآنی ندای وحی، سال نهم، شماره ۹۲ و ۹۳ مقاله‌ای در تفسیر سوره قدر از استاد شهید مطهری رحمته الله چاپ شده که در آن بحث از شب قدر به میان آمده است. استاد در قسمتی از مقاله می‌فرماید:

اما راجع به این که شب قدر کدام شب است، در روایت تعیین نکرده‌اند؛ تعمّدی هم در این کار بوده است... آیا شب قدر شب نوزدهم است؟ یا شب بیست و یکم؟ یا شب بیست و سوم؟ یا در شب نوزدهم یک سلسله مسایل تعیین می‌شود؛ بعد در شب بیست و یکم اینها ابرام می‌شود و مثلاً در شب بیست و سوم اینها به مرحله امضا می‌رسد؟ و یک احتمال دیگر در اینجا هست و آن این است که تعیین نکردن از این جهت است که شب قدر هر سال به آن امام تعلق دارد و بستگی به وضع امام در آن سال دارد. ممکن است امام علیه السلام در شب نوزدهم دوره خود را به پایان برساند و در شب نوزدهم ملائکه فرود بیایند، ممکن است شب بیست و یکم و بیست و سوم باشد، یعنی از شب نوزدهم کمتر نمی‌شود. در یکی از این شبها کار صورت می‌گیرد آن وقت انسان کامل در مقدرات عالم یا انسانها دخالت دارد.^۱

این فراز از سخن استاد را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد:

۱. این که در روایات تعیین نشده که شب قدر کدام شب است؛ آیا شب قدر شب نوزدهم است یا شب بیست و یکم و یا شب بیست و سوم؟ یا در شب مثلاً نوزدهم سلسله مسائلی تعیین می‌شود، بعد در شب بیست و یکم آنها ابرام و مثلاً در شب بیست و سوم اینها به مرحله امضا می‌رسد.

۲. احتمالی که مطرح شده و آن این که مردّد گذاشتن شب قدر به خاطر این بوده که شب قدر هر سال به آن امام تعلق دارد و بستگی به وضع امام علیه السلام در آن سال دارد. ممکن است امام علیه السلام دوره خود را در شب نوزدهم به پایان برساند و در شب نوزدهم ملائکه فرود بیایند؛ ممکن است در شب بیست و یکم و ممکن است در شب بیست و سوم....

* * *

ما در این مقاله برآنیم که دو مطلب را مورد نقد و بررسی قرار دهیم:

۱. آیا این سخن که روایات شب قدر را مطلقاً تعیین نکرده‌اند، سخن درستی است یا

خیر؟

۲. آیا احتمال فوق - که در مورد مردّد گذاشتن شب قدر مطرح شده - احتمال صحیحی

است یا خیر؟

برای پاسخ گفتن به سؤال اوّل به برخی روایات - که در این زمینه وارد شده‌اند - اشاره

۱. این فراز، از سخنان استاد مطهری در تفسیر سوره قدر است که هنوز به عنوان تفسیری مستقل چاپ نشده است و نوار کاست آن در مرکز صوت دفتر تبلیغات اسلامی قم، بخش تفاسیر شهید مطهری (ش ۱۳۶) موجود است.



می‌کنیم و در ادامه، نظر برخی دانشمندان شیعه را در این باره یادآور می‌شویم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از عمر بن اذینه، از فضیل و زراره و محمد بن مسلم، از حمران روایت می‌کنند که: حمران از ابا جعفر علیه السلام در مورد قول خداوند - عَزَّوَجَلَّ - «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پرسید، امام علیه السلام فرمود: بله، شب قدر و آن در هر سال در ماه رمضان در دهه آخر آن و قرآن جز در شب قدر نازل نشده است، و آن شبی است که خداوند عز و جل در باره‌اش فرموده «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» در آن شب هر امری بر طبق حکمت الهی تنظیم می‌گردد». و نیز امام علیه السلام فرمود: هر امری که در عالم تا سال بعد تحقق می‌یابد، در شب قدر مقدر و تنظیم می‌گردد؛ هر خوبی و بدی، و اطاعت و معصیت، و تولد و وفات، و روزی هر کسی در این شب تقدیر می‌شود و آنچه که در این شب مقدر شده، تحقق آن حتمی است؛ البته اراده و مشیت حق تعالی در هر حالی باقی است...^۲

۲. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: جهنی [که نامش عبد الرحمن بن انیس انصاری بود و] در بیرون شهر مدینه زندگی می‌کرد، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: یا رسول الله، من شتران و گوسفندان و غلامان زیادی دارم. دوست دارم شبی را در ماه مبارک رمضان تعیین فرمایید که در آن شب به مدینه آمده، در نماز شما شرکت کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درگوشی به او کلامی فرمودند. بعد از آن، او هر سال در شب بیست و سوم با شتران و گوسفندان و اهل و فرزند و غلامان خود وارد مدینه می‌شد و چون صبح می‌شد، با همراهانش به مکان خود باز می‌گشت.^{۳ و ۴}

۳. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد شب قدر سؤال شد، فرمودند: آن را در دهه آخر ماه رمضان طلب کنید. [بعد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من آن (شب قدر) را دیده‌ام (درک کرده‌ام)، ولی بعد از دهنم بردند (مرا به فراموشی انداختند)، مگر این که (در عالم مکاشفه) دیدم که در آن شب در خاک و گل نماز می‌خوانم، چون شب بیست و سوم شد، باران شدیدی آمد و آب در مسجد جریان یافت و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ما نماز گزارده؛ در حالی که روی دماغ شریفشان در گل بود.^۵

۴. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع نموده و کمر خود را (برای عبادت) می‌بستند و در شب بیست و سوم اهل بیت خود را بیدار نگهداشته، در آن شب اگر کسی به خواب می‌رفت، بر صورتش آب می‌پاشید و حضرت فاطمه علیه السلام در آن شب نمی‌گذاشت کسی از اهل بیتش

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷. این حدیث در ثواب الأعمال، ص ۶۷ نیز با این سند آمده است: أبی عن سعد، عن ابن عیسی، عن الأهوازی، عن ابن ابی عمیر، عن ابن اذینه عن الفضیل و زراره و محمد بن مسلم، عن حمران: أنه سأل ابا جعفر علیه السلام... و نیز ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۵۵۰ و ج ۹۴، ص ۷.

۳. حدیث جهنی (بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۶۰) از طریق اهل سنت نیز روایت شده و سیوطی آن را در درر المنثور از مالک و بیهقی نقل کرده است. (ر.ک: الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳).

۴. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۳؛ و اقبال الأعمال، ص ۲۰۷؛ و دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.

۵. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۲ و نیز ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۹؛ و بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۰؛ عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۱۳۲؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۳؛ المصنف، ج ۴، ص ۲۴۸.

۸. محمد بن حسن صفار، از عباس بن معروف، از سعدان بن مسلم، از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: من از او از نیمه شعبان پرسیدم، گفت: من در این باره اطلاعی ندارم؛ اما این قدر می دانم که چون شب نوزدهم رمضان می رسد ارزاق را تقسیم می کنند و اجل ها را می نویسند و سفر حجاج مقدر می شود و خدای تعالی توجهی به بندگان خود نموده، آنان را می آمرزد؛ مگر کسانی را که مسکر می نوشند، و چون شب بیست و سوم رمضان می شود، هر امر حکیم در آن تجزیه و تفریق می گردد آنگاه آن را امضاء کرده به دست او می سپارد.

من پرسیدم: به دست چه کسی می سپارد؟ گفت: به دست صاحبان.^{۱۲}

مرحوم صدوق در الخصال می گوید:

مشایخ و بزرگان ما اتفاق نظر دارند بر این که شب قدر شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است.^{۱۳}

علامه طباطبایی می گوید:

در بعضی اخبار بین دو شب تردید شده یکی بیست و یکم و دیگری بیست و سوم؛^{۱۴} مانند روایتی که عیاشی از عبد الواحد از امام باقر علیه السلام روایت کرده. از روایات دیگر استفاده می شود که شب قدر خصوص شب بیست و سوم است^{۱۵} و اگر معینش نکرده اند به منظور تعظیم آن بوده تا بندگان خدا با گناهان خود به امر آن اهانت نکنند.^{۱۶}

از روایات فوق معلوم می شود این سخن که در روایات مربوط به این که شب قدر کدام شب است، حرفی زده نشده و معین نگردیده است صحیح نیست؛ چرا که همان گونه که علامه فرمود، برخی از روایات، با تردید، شب بیست و یکم و بیست و سوم را شب قدر دانسته و برخی شب قدر را خصوص شب بیست و سوم می دانند و برخی روایات نیز به گونه ای بین روایات متعدد جمع کرده به این صورت که تقدیر در شب نوزدهم و ابرام در بیست و یکم و امضا را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان می دانند.

* * *

اما در پاسخ به سؤال دوم در مورد احتمال مردّد گذاشتن شب قدر بین شبهای نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم باید گفت:

در ابتدا، استاد مطهری جریان به میقات رفتن حضرت موسی علیه السلام را - که در سوره اعراف

۱۲. بصائر الدرجات، ص ۲۳۰ و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۱

۱۳. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۹

۱۴. حسان بن مهران می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شب قدر پرسیدم، فرمود: التمسوها فی لیلة احدى و عشرين أو لیلة ثلاث و عشرين (الكافی، ج ۴، ص ۱۵۶)

۱۵. عن سفیان بن السمط قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: أفرد لی لیلة القدر، قال: لیلة ثلاث و عشرين. (اقبال الأعمال، ص ۲۰۷؛ بهار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۵۹)

۱۶. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۳



آیه ۱۴۲ ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ﴾ آمده - مطرح کرده و می‌گوید:

در این سی شب حضرت موسیٰ ﷺ کمال مجاهده را می‌کرد تا شایستگی نهایی را برای نزول الواح پیدا کند؛ سپس از عبارت ﴿وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ﴾ چنین نتیجه گرفته‌اند که چون حضرت موسیٰ ﷺ نتوانست دوره سلوک خود را در سی شب به پایان برساند خداوند متعال ده شب اضافه فرمود تا دوره‌اش به پایان برسد؛ پس از آن حال امام ﷺ را با حضرت موسیٰ ﷺ مقایسه کرده و این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که امام ﷺ هم برای خود دوره‌ای دارد و اگر آن دوره را تا شب نوزدهم به پایان برساند؛ ملائکه در آن شب بر قلب شریف امام ﷺ نازل شده و آن شب شب قدر است، ولی اگر دوره خود را در آن شب به پایان نرساند، شب قدر موقوف به شبهای بعد یعنی بیست و یکم و بیست و سوم می‌شود.^{۱۷}

بر این احتمال اشکالاتی وارد است که به آنها اشاره می‌کنیم:

اولاً. قیاس امام ﷺ با حضرت موسیٰ قیاس مع الفارق است. در روایات بسیاری که از ائمه ﷺ وارد شده فضیلت ائمه هدی بر انبیا سلف بیان گردیده که ما برای نمونه یکی از آنها را می‌آوریم.

در روایتی امام صادق ﷺ به راوی می‌فرماید:

مردم در باره پیامبران اولوالعزم و مولای شما امیرالمؤمنین ﷺ چه نظر دارند؟ می‌گویند: گفتیم: آنان احدی را بر پیامبران اولوالعزم برتری نمی‌دهند. حضرت فرمودند: خداوند به موسیٰ ﷺ فرمود: ﴿وَوَكَّيْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً﴾^{۱۸} یعنی «برای موسی در الواح تورات از هر چیزی موعظه نوشتیم» و نمی‌فرماید: کلّ شیء موعظه (همه چیز موعظه را) و به حضرت عیسیٰ ﷺ می‌فرماید: ﴿وَلِإِبْرَاهِيمَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ﴾^{۱۹} و نمی‌فرماید: کلّ شیء. اما در باره مولای شما امیرالمؤمنین ﷺ فرموده است: ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^{۲۰}، یعنی «بگو برای گواه بودن میان من و تو، خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست کافی می‌باشد»، و نیز فرموده است: ﴿وَلَا زُطْبُ وَ لَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ﴾^{۲۱}، یعنی «هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی آشکار آمده است» و علم کتاب نزد او (امیرالمؤمنین ﷺ) است.^{۲۲}

ثانیاً. به میقات رفتن حضرت موسیٰ ﷺ و اضافه شدن ده روز به آن ﴿وَأَتَمَمْنَاهَا

بِعَشْرِ﴾ هیچ ربطی به نزول ملائکه بر قلب حضرت موسیٰ ﷺ ندارد، همچنان که گفتار مفسران در مورد این آیه مؤید نظر ماست. مفسران در مورد اضافه شدن ده روز به وعده

۱۷. ر.ک: ماهنامه قرآنی ندای وحی، سال نهم، شماره ۹۲ و ۹۳.

۱۸. سوره اعراف، آیه ۱۴۵

۱۹. سوره زخرف، آیه ۶۳

۲۰. سوره رعد، آیه ۴۳

۲۱. سوره انعام، آیه ۵۹

۲۲. بصائر الدرجات، ص ۲۳۹؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۵؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۳۰.

حضرت موسیٰ ﷺ اقوال متفاوتی دارند که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. برخی مفسران می‌گویند: اضافه شدن ده روز به خاطر خصوصیت چله‌نشینی بوده است.^{۲۳} همچنان که در مورد برخی اذکار که به عدد معینی وارد شده، گفته شده که اگر انسان به هنگام ذکر گفتن، در شمارش آن اشتباه کرد، از اول شروع کند، یا اگر کسی چهل بار در فلان شب به فلان مکان مقدس برود حاجتش روا می‌شود یا اگر به عدد اسمش فلان ذکر را بگوید فلان اتفاق می‌افتد که از همه اینها بر می‌آید که خود عدد خصوصیت دارد.

ب. از برخی مفسران بر این عقیده‌اند که اضافه شدن ده روز به خاطر خصوصیت دهه اول ماه ذی الحجه بوده، چرا که مفسران عقیده دارند که میقات حضرت موسیٰ ﷺ سی روز از ماه ذی القعدة و ده روز اول از ماه ذی الحجه بوده است.^{۲۴} البته بعضی نیز گفته‌اند اصل موعود چهل شب بوده، منتها خداوند به این صورت فرمود تا فضیلت و شرافت آن ده روز که دهه اول ذی الحجه بود مشخص باشد که از آن جمله نزول تورات است.^{۲۵}

ج. میعاد مقرر شده نزد خداوند چهل شب بود، لکن به خاطر حکمت امتحان پیروان حضرت موسیٰ ﷺ خداوند بیان فرمود که میعاد سی روز است. پس برخی ایمانشان ثابت ماند و برخی دیگر از حوزه ایمان خارج شدند و گوساله پرست و بت پرست گردیدند و پس از این که این آزمایش تمام گردید، خداوند میعاد را با اضافه کردن ده شب به پایان رسانید.^{۲۶}

د. حضرت موسیٰ ﷺ در سی روز اول امر به روزه گرفتن شد و آن سی روز ماه ذی القعدة بود. پس خداوند در ده شب اول ذی الحجه تورات را بر آن حضرت نازل فرمود و با آن حضرت سخن گفت.^{۲۷}

ه. در روایت ابن بابویه از حضرت امام رضا ﷺ آمده که وعده چهل روز بوده، ولی موسیٰ ﷺ بنا بر امر خداوند و برای آن که اصحابش بی حوصله نشوند، نگفت چهل روز به طول می‌انجامد.^{۲۸}

۲۳. ر.ک: تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۳۴؛ تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲۴. طبری در جامع البیان چندین روایت آورده که دلالت دارند بر این که میقات حضرت موسیٰ ﷺ سی روز از ذیقعدة و ده روز اول ذی الحجه بوده است. (ر.ک: جامع البیان، ج ۹، ص ۶۳ و ۶۴)

۲۵. ر.ک: تفسیر اثنی عشری، ج ۴، ص ۱۸۷.

۲۶. ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۰ (پاورقی).

۲۷. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۶۸۸.

۲۸. ر.ک: تفسیر جامع، ج ۲، ص ۴۵۵ (مضمون روایت فوق در تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۳۹ و بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۱۳ نیز آمده است).

و. طبرسی در مجمع البیان می نویسد:

این که خداوند در سوره بقره فرمود: ﴿أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾، ﴿وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...﴾ ولی در اینجا (سوره اعراف) این گونه فرمود (بلکه) فرمود: ﴿وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَآتَمَمْنَاهَا بِخَبَرٍ﴾ در باره آن وجوهی گفته شده از جمله: مدت اقامت موسی ﷺ ماه ذی القعدة و ده روز اول ذی الحجه بود. اگر می فرمود: ﴿أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾، معلوم نبود که ابتدای آن اول ماه بوده و همچنین معلوم نبود که ایامی پیاپی بود و نیز معلوم نبود که ماه معینی بوده است و این قول از فراء نقل شده و مطابق نظر مجاهد و ابن عباس و ابن جریح و مسروق و بیشتر مفسران است...^{۲۹}

ز. در تفسیر منهج الصادقین چنین آمده:

آورده اند که موسی ﷺ قوم را وعده داده بود که بعد از هلاک فرعون کتابی بیاورم به شما از نزدیک حق تعالی که هر چه شما را باید در آن مبین و مفصل باشد و چون از دریا نجات یافتند و فرعون غرق شد، طلب آن کتاب نمودند. موسی از حق سبحانه و تعالی درخواست کرد که آن کتاب را به او فرستد. حکم شد که سی روز روزه باش و پس از آن به طور آی تا با تو سخن گوئیم. موسی ﷺ سی روز روزه داشت و روز سی و یکم به طور رفت و چون از دهن او بوی روزه می آمد، کراهت داشت از آن که با حق تعالی سخن گوید. پس برای رفع آن رایحه مسواک کرد و گویند پوست درخت خوشبوی بخایید، آن رایحه از وی زایل گشت. ملائکه گفتند که ما از تو بوی مشک می شنیدیم آن را به مسواک رفع کردی. ندانسته ای که بوی دهن روزه دار نزد حق تعالی از بوی مشک خوش تر باشد که «خلق الصائم أطيب من المسك» حق تعالی فرمود که ده روز دیگر روزه دار تا آن رایحه عود کند. پس موسی امثال امر الهی نموده ده، روز دیگر روزه داشت.^{۳۰} و خداوند پس از چهل شب تورات را بر او نازل کرد.

این داستان از امام حسن عسکری ﷺ نیز روایت شده است.^{۳۱}

ح. عیاشی ذیل آیه ﴿وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ از امام ابی جعفر ﷺ روایت کرده که فرمود:

در علم و تقدیر خداوند گذشته بود که موسی سی روز در میقات باشد و لکن از خدا بدایی حاصل شد و ده روز بر آن اضافه کرد و در نتیجه میقات اولی و دومی چهل روز شد.^{۳۲}

ثالثاً. پذیرفتن این احتمال مستلزم این است که بپذیریم قبل از رفتن حضرت موسی ﷺ به میقات یا قبل از یک چله نشینی و یا قبل از گذراندن یک دوره ملائکه یا فرشته وحی بر حضرت موسی ﷺ نازل نمی شدند؛ در حالی که قبل از آن بر حضرت موسی ﷺ وحی نازل



۲۹. مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۴۹

۳۰. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۹۵ و تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ تفسیر القرطبی، ج ۷، ص ۲۷۴؛ و نیز رک: زاد المسیر، ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۸۰ (ابن جوزی این داستان را از ابن عباس روایت کرده است).

۳۱. تفسیر الإمام العسکری ﷺ، ص ۲۴۸.

۳۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۴.

می‌شده و هیچ جای تاریخ چنین چیزی گزارش نشده که پیامبری برای این که ملائکه بر قلبش نازل شوند، نیازمند گذراندن دوره‌ای یا چله‌ای بوده است.

رابعاً. بر فرض که این احتمال، صحیح باشد، چه لزومی دارد که شب قدر را منحصر به شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان بدانیم؟ چرا که ممکن است امام علیه السلام دوره خود را مثلاً در شب ۱۸ یا ۲۰ یا ۲۲ ماه مبارک به پایان برسانند.

خامساً. این که بگوییم شب قدر بستگی به وضع امام علیه السلام در آن سال دارد؛ مقصود از این وضع چیست؟ آیا مقصود وضع روحی امام علیه السلام است یا وضع جسمی ایشان؟ می‌دانیم که ملائکه در شب قدر بر قلب شریف امام علیه السلام نازل می‌شوند و قلب شریف امام علیه السلام بلکه قلب هر مؤمنی عرش خداوند متعال است ^{۳۳} و آمادگی داشتن یا نداشتن در مورد قلب امام علیه السلام که همیشه متصل به مبدأ هستی هستند، معنا ندارد. بلکه در مورد ارتباط انسان با قلب خودش ممکن است معنا داشته باشد ولی چنین چیزی در مورد امام علیه السلام بی‌مورد است چون آمادگی و عدم آمادگی از آثار طبیعت و جسم است و ائمه علیهم السلام جسمشان تابع روحشان است. طبق بسیاری از روایات امام علیه السلام واسطه فیض خداوند متعال به جهان هستی می‌باشد پس چگونه ممکن است حالش در مورد دریافت فیوضات متغیّر باشد در حالی که اگر این گونه بود نظام هستی در هم می‌ریخت. یکی از اموری که بر قلب شریف امام علیه السلام نازل می‌شود، روزی افراد است. اگر بنا باشد هر موقع که وضع امام علیه السلام خوب باشد یا امام علیه السلام دوره خود را به پایان رسانده باشد روزی به انسان برسد و هر موقع دوره خود را به پایان نرسانده باشند، روزی هم نرسد، دیگر زندگی باقی نمی‌ماند. باید توجه داشته باشیم که انسان مثل ساعت کوکی نیست که کوکش کنند و رهایش سازند تا خودش برای خودش کار کند، بلکه لحظه به لحظه نیازمند افاضه خداوند متعال از طریق ائمه علیهم السلام در زیارت مطلقه اول امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: ^{۳۴} «إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ لَيْكُمُ وَ تَصُدِّرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ» یعنی اراده و خواست خداوند در تقدیر کارهایش به دل شما افتد و از خانه شما صدور یابد.

و در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: ^{۳۵} «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ»؛ درود بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد ملائکه و فرودگاه وحی. «خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَ لَكُمْ بَعْزُهُ مُخَدِّقِينَ»؛ خداوند

۳۳. بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

۳۴. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه اول امام حسین علیه السلام؛ و الکافی، ج ۴، ص ۵۷۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۴؛ کامل

الزیارات، ص ۲۰۰؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۳.

۳۵. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

شمارا نورهایی آفریده است که گرد عرشش بودید.

پس ائمه هدی علیهم السلام - که اراده خداوند متعال از مجرای آنها صادر می شود و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و محل فرود آمدن وحی و گرد عرش پروردگارند - آمادگی داشتن و نداشتن در مورد آنها قابل تصور نیست و دلیل این که نزول ملائکه و امور خلق مربوط به قلب شریف امام علیه السلام است، حدیثی است که می فرمایند:

و صاحب هذا الأمر في شغل تنزل الملائكة إليه بأمور السنة من غروب الشمس إلى طلوعها من كل أمر سلام هي له إلى أن يطلع الفجر»^{۳۶}؛ «صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) در شغلی است و آن این که ملائکه امور آن سال را از هر فرمان و دستور الهی از غروب خورشید تا طلوع آن بر او نازل می گردانند و آن شب برای او رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه» با اینکه در مثل چنین شبهایی امام علیه السلام همانند بقیة شبها با مردم صحبت می کردند و زندگی عادی داشتند.

کتابنامه

۲۰۸. ۱. قرآن کریم
۲. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی الطبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ه. ق.
۳. اقبال الأعمال، رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۷ ه. ش.
۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ه. ق.
۵. بصائر الدرجات، محمد بن حسن فروخ صفار، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ه. ق.
۶. تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین حسینی استرآبادی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۷. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبد العظیمی، انتشارات میقات، تهران، ۶۴-۱۳۶۳ ه. ش.
۸. تفسیر الإمام العسکری علیه السلام (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام)، تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام، ناشر: مدرسه امام مهدی علیه السلام چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق.
۹. تفسیر جوامع الجامع، الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۰. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۷۵-۱۳۷۳ ه. ش.



فصلنامه علمی-تحقیقی

۱۱. تفسیر الصافی، المولی محسن الفیض الکاظمی، مکتبة الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۱۲. تفسیر العیاشی، النصر محمد بن مسعود بن عیاشی السمرقندی، تحقیق حاج سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر المکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران
۱۳. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۴۱ هـ. ش.
۱۴. تفسیر القرطبی، (الجامع لإحكام القرآن)، ابی عبدالله محمد بن احمد الأنصاری القرطبی، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۵. تفسیر القمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم القمی، مؤسسة دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۶. تفسیر منهج الصادقین، فی الزام المخالفین، (تفسیر کبیر ملافتح الله کاشانی)، ملافتح الله کاشانی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴ هـ. ش.
۱۷. تفسیر نور، محسن قرائتی، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۱۸. تهذیب الأحکام، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۱۹. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۲۰. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۲۱. الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۲. الدر المنثور، جلال الدین السیوطی، دار المعرفة، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ. ق.
۲۳. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دار المعارف، مصر، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۲۴. زاد المسیر فی علم التفسیر، ابی الفرج جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی القرشی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۵. عوالی الثانی، ابن ابی جمهور احسانی، انتشارات سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۲۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۲۷. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، انتشارات مرتضویة، نجف اشرف، ۱۳۵۶ هـ. ش.
۲۸. کنز العمال، المتقی الہندی، تحقیق: الشیخ بکری حیانی و الشیخ صفوہ السقا، مؤسسة الرسالة، بیروت
۲۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الإسلام ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۳۰. مستدرک الوسائل، الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۳۱. المصنف، ابی بکر عبد الرزاق الصنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، ناشر: المجلس العلمی

۳۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی

۳۳. المیزان فی تفسیر القرآن، العلامة السید محمد حسین الطباطبائی، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۳۴. وسائل الشیعة، الشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق.

